



متن بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع پرشور مردم کرمان - 11 / اردیبهشت / 1384

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على اله الأتبيين الأطهرين المنتجبين سيما بقیة الله فی الأرضين.

خدای متعال را بسیار سپاسگزارم که این توفیق را عنایت فرمود تا بار دیگر بتوانم در جمع شما مردم عزیز کرمان حضور پیدا کنم و این شهر را - که برای من شهر یادها و خاطره های بسیار عزیز و ارجمند است - بار دیگر ببینم و با مردم مهربان، مؤمن و وفادار آن از نزدیک دیدار کنم.

حضور ما در استان های مختلف کشور در درجه ی اول برای اظهار ارادت و اخلاص به مردمی است که در طول سال های متممادی امتحان های دشوار، با صبر و تلاش و مجاهدت و وفاداری خود توانسته اند کشور را به سوی هدف های عالی اش پیش ببرند. این سفر هم در درجه ی اول برای عرض اخلاص و ارادت من به شما مردم عزیز و مؤمن و انقلابی این شهر و این استان است. بخصوص با حوادث تلخی که در دو سه سال اخیر برای این استان پیش آمد - زلزله ی بم، زلزله ی زرنند، قبل از اینها سقوط هواپیمای سپاه و شهادت جمعی از عزیزانمان در آن ماجرا، و پیش از اینها خشکسالی طولانی هفت ساله ی این استان - شرایط اقتضاء می کرد که از نزدیک، به شما مردم استان عرض اخلاص و همدردی شود. خدای متعال را سپاسگزارم که این توفیق را به من داده است تا بتوانم در جمع شما حاضر شوم.

از لحظه ی اول ورود به این شهر، ابراز محبت شما مردم، مانند همیشه موجب شرمندگی این خدمتگزار شده است. در خیابان ها، در مسیر و در مجمع عظیمی که تشریف دارید، تراکم محبت های شما مردم برای من کاملاً آشناست؛ از سال های دور، این محبت و این گرمی و این مهربانی و این وفاداری را شناخته ام. از این فرصت استفاده می کنم و مطالب اساسی مربوط به این استان و مسائل کشور را به شما جمع عزیز مردم کرمان و کسانی که از برخی شهرهای دیگر کرمان در این اجتماع عظیم شرکت کرده اید، عرض می کنم. این شهر و این استان برخوردار از افتخارات تاریخی است. در این استان چهره های جاودانه یی که ریشه ی علم و هنر و معماری و پیشرفت های علمی و دینداری عمیق و ایمان راسخ را نشان می دهند، در طول تاریخ کشور ما چهره های بسیاری هستند. قدمت ریشه ی علم و هنر در این استان را از بیش از هزار سال پیش با نام محمدبن عیسی ماهانی، و بعد از او شخصیت های علمی، هنری و ادبی بزرگی - که ریاضیدان، منجم، عالم، فقیه، شاعر و هنرمند بودند - در گذشته ی پُرافتخار تاریخی این استان و این شهر می توان مشاهده کرد.

این استان و مردم نجیب آن، خاطرات تلخی از گذشته ها - که چندان از ما دور نیست - دارند. پادشاهان جبار - چه قاجارها و چه قبل از آنها - با این شهر و مردم آن چه کردند. در دوران نظام های طاغوتی و بی خبر از معنویت، ارزش های معنوی این شهر نادیده گرفته شد. در دوران خونبار نظام پهلوی، استعدادهای این شهر، مردم این شهر، واقعیت های بسیار برجسته و جذاب این شهر و این استان به دست غفلت و فراموشی سپرده شد. در سال 57، آن روزی هم که مردم این استان به ستوه آمده ی از ستم های متراکمی که بر آنها شده بود، فریاد برآوردند و اجتماع کردند، مسجد جامع این شهر را به آتش کشیدند و مردم را به قتل رساندند. خاطره های تلخ و شیرین در فضای این شهر و این استان بسیار است.

شما مردم با تجربه یی هستید. نسل های گوناگون کرمانی تجربه ها و معارف گذشته را نسل به نسل و دست به دست منتقل کرده اند. کرمانی، با ادب، با ظرفیت، با تحمل، با ایمان و با پختگی همراه است و می تواند مسائل



اساسی را خوب درک و تحلیل کند. در طول دوران مبارزه بعد از پیروزی و در طول دوران انقلاب و جنگ تحمیلی، کرمان توانست شخصیت بارز خود را در میدان های گوناگون نشان دهد. سرداران بزرگ، فدائیان راه اسلام و شهیدان عالی مقام و نام آور و پرافتخار، برجسته ترین چهره های این استان شده اند؛ جوان هایی که از خاک برآمدند و در افلاک درخشیدند؛ نام هایی که هرگز از یاد مردم ایران نخواهد رفت. در صحنه ی علم و تدبیر و سیاست، شهید عزیزمان، مرحوم باهنر، چهره ی فراموش نشدنی این استان است. بحمدالله در دوران ما هم عالم، سیاستمدار، منجم، ریاضیدان، شاعر، تاریخدان، نویسنده و قصه نویس از این استان آنقدر در سرتاسر کشور حضور دارند و نام های شناخته شده یی از آنها در ذهن همه هست که امکان نام آوردن آنها نیست. وضعیت استان، این گونه است. ظرفیت ها و نیازمندی ها و ثروت ها و کمبودهای این استان، خود داستان جداگانه یی است که به آنها اشاره خواهم کرد؛ لیکن در درجه ی اول آنچه به شما مردم مؤمن و آگاه و هوشیار و خوش استعداد باید عرض کنم، این است که بسیاری از مسائل کنونی کشور ناشی از حساسیت موقعیت کشور ما در تسلسل پیشرفت تاریخی این ملت و این کشور است. اگر بخواهیم به زبان ساده این مطلب را بیان کنیم، باید عرض کنیم که ملت و کشور ما امروز در موقعیت بسیار مهم، حساس و خطیری قرار گرفته است. نباید به اشتباه خیال کرد که این خطیر بودن یا مهم و حساس بودن موقعیت، مربوط به چالش های سیاست خارجی است؛ نه، این مهم بودن، ارتباط به این ندارد که ملت و کشور ایران در مسائل سیاسی یا مسأله یی خاص، از سوی ابرقدرت ها و زورگویان جهان مورد تهدید قرار دارد. این تهدیدها و زورگویی ها همیشه بوده است و ملت ایران در مقابل زورگویی ها، افزون طلبی ها و دخالت ها و تهدیدهای بیگانه همیشه با چهره ی مصمم، با عزم راسخ، با مشیت پولادین و با عقل و تدبیر ایستاده است و دشمن را به عقب نشینی وادار کرده و باز هم خواهد کرد. بنابراین اگر عرض می کنیم کشور در موقعیت مهم و حساسی قرار دارد، مراد چالش های سیاست خارجی نیست؛ اینها چیز مهمی برای این کشور و این ملت نیست.

مسأله این است که در دوران بیست و چند ساله ی نظام جمهوری اسلامی - بخصوص بعد از جنگ تحمیلی - به توفیق الهی ملت ما توانسته است به پیشرفت های بزرگی دست پیدا کند و کارهای بسیار مهمی در این کشور انجام دهد. ملت ایران و مدیران مسؤول و با اراده ی کشور در طول این سال ها توانسته اند به میزان زیادی این کشور را - که میراث یک حکومت فاسد و وابسته بود - به پیش ببرند؛ زیربناهای اساسی این کشور را بسازند؛ از لحاظ آب، از لحاظ انرژی، از لحاظ صنعت، از لحاظ خلاقیت و از لحاظ پیشرفت علمی و فناوری، کشور را از موقعیت بسیار خوبی برخوردار کنند.

کشور ما در دوران طاغوت عمداً عقب نگه داشته می شد و استعدادها سرکوب و به زنجیر کشیده می شد. آن روز سیاست دنیای استکباری نسبت به کشور ما - مثل سیاست همیشه ی استکبار نسبت به کشورها - این بود که گاو شیرده یی را برای خودشان نگه دارند؛ لذا پیشرفت کشور را نمی پسندیدند؛ می خواستند از نفت، معادن، منابع و بازار مصرف کشور استفاده کنند. نمی توانستند ببینند کشوری از لحاظ علمی پیشرفت کند و رقیب آنها شود؛ آنها مصرف کننده و ریزه خوار خون خود را می طلبیدند؛ حکومت هم وابسته ی به آنها بود؛ سیاست ها و برنامه ها هم همان سیاست ها و برنامه ها بود.

انقلاب اسلامی و نظام اسلامی کشور را از وابستگی نجات داد؛ این قیدوبندها را برداشت و راه ملت را باز کرد. امروز کشور در صنعت، در تولید، در فناوری، در علم، در تهیه ی زیرساخت های اساسی برای بنای آینده ی کشور، با قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست. وقتی آمارها و شاخص ها را نگاه می کنیم، بعضی از موارد صدها درصد، بعضی از موارد هزار درصد، و بعضی از موارد هزارها درصد در شاخص های اساسی پیشرفت پیدا شده است.

اما آنچه امروز برای این کشور مهم است، این است که دستاوردهای مهم دوران بعد از پیروزی در جنگ تحمیلی تا امروز، بتواند به صورت محصول شیرینی، کام مردم را شیرین کند. با تلاشی که تا امروز انجام گرفته است، ملت ایران



و مسؤولان کشور باید بتوانند آینده را همراه با برخورداری مردم از عدالت اجتماعی و رفاه و ادامه ی پیشرفت در راه های گوناگون، بسازند. زیربناهای کشور خوب ساخته شده است؛ اما آنچه به وجود آمده، باید زندگی مردم را از فقر و محرومیت نجات دهد. از آنچه انجام گرفته است، ملت باید بتواند بهره برداری کند. بی انصافی است اگر کسی تلاش های گذشته ی دولت های گوناگون و سال های متمادی بعد از جنگ را ندیده بگیرد. کار متراکمی صورت گرفته است؛ لیکن برای این که این کارها زندگی عامه ی مردم و همه ی مناطق کشور را از منافع و برکات خود بهره مند کند، یک سلسله کار دیگر هم لازم است. وضعیت خطیر و مهم ما به این مناسبت است.

باید حلقه ی سازندگی ها و تولیدها و پیشرفت ها را به حلقه ی زندگی مردم وصل کرد؛ مثل آبی که در پشت سد جمع شده است و باید با کانال کشی، آن را سر مزرعه ی مردم کشاند تا مردم بتوانند از آن استفاده کنند. بنابراین، از این همه پیشرفتی که صورت گرفته است، باید کام مردم را شیرین کرد؛ این، تلاش و برنامه ریزی بسیار مهمی لازم دارد. آنچه امروز کشور به آن احتیاج دارد، این است که برای رفع فقر و ریشه کنی فساد و برخوردار کردن عامه ی مردم و مناطق گوناگون و همه ی زوایای کشور از منافع و برکات پیشرفت کشور باید برنامه ریزی شود؛ سیاست ها و برنامه ها باید ناظر به این هدف باشد.

سند چشم انداز بیست ساله ی کشور - که امسال، سال شروع آن است - یک کار اساسی و مهم است؛ افق آینده ی کشور را برای آحاد مردم روشن و مشخص می کند. در ضمن اجرای چند برنامه، این چشم انداز باید تحقق پیدا کند. امسال همچنین سال شروع برنامه ی چهارم است، که باید بتواند سند چشم انداز را پنج سال جلو ببرد و از لحاظ زمان بندی، آن را به اهداف خود در طول این پنج سال برساند. اینها اهمیت این سال ها را برای ما معنا می کند. اول سال عرض کردیم که امسال را «سال همبستگی ملی و مشارکت عمومی» بنامیم؛ نه فقط برای این که یک نامگذاری انجام بگیرد، بلکه برای این که مشارکت عمومی تحقق پیدا کند و ملت یکپارچه ی ما پشت سر مسؤولان با تدبیر و مؤمن و انقلابی بتواند گام های بلندی را به سوی اهداف متعالی نظام بردارد و خود را به آن هدف ها نزدیک کند.

ما نمی توانیم از عدالت اجتماعی فقط حرفی بگوییم و بشنویم. ما نمی توانیم از صلاح اجتماعی فقط سخنی بگوییم و بشنویم. باور دینی، ایمان انقلابی و باورهای ملی باید عمق پیدا کند. کشور ما با ملت مؤمن خود - که در جهت علم و فناوری هم پیشرفت می کند - باید الگویی بشود از توانایی و اقتدار و پیشرفت، تا مسلمان های دنیا را تشویق و نام اسلام را بلند کند. شایسته ی ملت ایران چنین جایگاه و چنین موقعیتی است. این مقطع تاریخی به این جهت برای ما مهم است.

امسال، سال تجدید انتخابات ریاست جمهوری است؛ این هم مقطع بسیار مهمی است. هر انتخاباتی برای ملت ما و فضای عمومی کشور مثل نسیمی است که فضا را تغییر می دهد و معطر می کند؛ هوای تازه یی در فضای کشور به وجود می آورد و امیدهای تازه یی در دل ها برمی انگیزد. صحنه ی انتخابات - بخصوص انتخابات ریاست جمهوری - یکی از جدی ترین و پُرشورترین و پُرژاذبه ترین صحنه های مشارکت عمومی مردم است.

برای ملت ما این انتخابات مهم است؛ همچنان که برای دشمنان ما هم این انتخابات مهم است. از چند ماه قبل برنامه های تبلیغاتی دشمنان روی انتخابات ریاست جمهوری در 27 خرداد متمرکز شده. آنچه آنها درباره ی انتخابات می خواهند، درست نقطه ی مقابل چیزی است که منافع ملی کشور و ملت ما آن را می طلبد. آنها می خواهند انتخابات بی رونق باشد و مردم در انتخابات شرکت نکنند. آنها می خواهند انتخابات، اطمینان و اعتمادی را در مردم به وجود نیاورد. امروز تبلیغات تبلیغاتی های خارجی روی این نقطه ها متمرکز است؛ مردم را نسبت به انتخابات دلسرد، بی اعتماد و بی اعتنا کنند؛ درست نقطه ی مقابل آن چیزی که برای ملت و کشور ما مهم است.

انتخابات می تواند برای کشور و ملت ما یک وسیله ی مصونیت و یک نمودار اقتدار باشد و ملت و نظام اجرایی



کشور را در مقابله ی با چالش های گوناگون جهانی، از گذشته مستحکم تر کند. انتخابات می تواند نظام جمهوری اسلامی را جوان تر از آنچه هست، بکند. انتخابات پُرشور از سوی مردم می تواند روز نوبی را برای آنها رقم بزند. انتخابات، هم در صحنه ی خارجی و در مقابل چشم بیگانگان، هم در صحنه ی داخلی، و هم برای پیشرفت کشور، یکی از مهمترین و اساسی ترین رویدادهاست. دشمن می خواهد انتخابات نباشد. اگر می توانستند روی مردم و یا گروه های سیاسی اثر بگذارند، کاری می کردند که اصلاً انتخابات برگزار نشود؛ کاری که در انتخابات مجلس هفتم می خواستند انجام دهند و مایل بودند اساساً انتخابات برگزار نشود.

این که یک نظام اسلامی - نظامی زیر پرچم توحید و دین - می تواند مردم سالاری را به شکل آشکار و واضح و با زبان گویا در مقابل چشم مردم جهان قرار دهد، درست عکس تبلیغات استکباری دنیای لیبرال دمکراسی است. آنها می خواهند بگویند مردم سالاری منحصر در ماست. نمی توانند این را تحمل کنند که یک نظام اسلامی و دینی، با ارزش های والای ایمانی خود بتواند مردم سالاری را این طور نهادینه کند. در طول بیست و پنج سال، حداقل بیست و پنج انتخابات در این کشور برگزار شده است و مردم پای صندوق ها رفته اند و گزینه ها و خواست خودشان را تحقق بخشیده اند و مسؤولان را خودشان انتخاب کرده اند. بنابراین انتخابات ریاست جمهوری بسیار مهم است. انتخابات دارد نزدیک می شود. مردم باید آگاهانه پای صندوق های رأی بروند و انتخاب کنند. همان طور که عرض کردیم، انتخابات جلوه ی بسیار زیبا و جذاب مشارکت عمومی است؛ مؤثرترین وسیله برای این است که هر فردی بتواند آرمان ها و خواست ها و مطلوب خود را در قالب اجرایی قرار دهد و آن را به تحقق نزدیک کند. اگر کسی را طبق آرمان ها و آرزوهای خودتان انتخاب کردید، این امکان که آن آرزوها تحقق پیدا کند، به واقعیت نزدیک می شود. کسی که فکر می کنید برای تحقق خواست ها و آرزوها و گشودن گره های مهمی که برای شما در زندگی مطرح است، مناسب و شایسته است، وقتی او را انتخاب کردید، در واقع بلندترین قدم را برداشته اید؛ برای این که این مشکلات از بین برود. هر خواسته یی - چه مادی و چه معنوی - در این انتخاب و در تعیین مسؤول قوه ی اجرایی می تواند تحقق پیدا کند.

رئیس جمهور در کشور ما نقش بسیار مهمی دارد؛ تبلیغات بیگانه می خواهد عکس این را نشان دهد. آنها دشمنانه حرف می زنند. رئیس جمهور یکی از مؤثرترین، و در دستگاه اجرایی مؤثرترین عنصر برای حل مسائل کشور است. در میان مسؤولان کشور، هیچ مسؤولی به قدر رئیس جمهور در قانون اساسی ما امکانات و توانایی ها و عرصه ی عظیم خدمتگزاری ندارد. بودجه ی کشور و همه ی مسؤولان طراز اول اجرایی کشور در اختیار اوست؛ اوست که می تواند کشور را آباد کند و از لحاظ علمی و صنعتی و مسائل انسانی و یا از لحاظ امنیت، کشور را به پیش ببرد؛ کفایت و توانایی های اوست که می تواند زندگی را در کام مردم شیرین کند. آنچه مورد نیاز ملت و کشور است، رئیس جمهور کارآمد و باکفایت است. مسؤولیت های حساس و تاریخی امروز بر دوش رئیس قوه ی مجریه ی ماست. قانون همه چیز را در اختیار رئیس قوه ی مجریه قرار داده است.

انسانی که دارای کارآمدی و کفایت باشد و به هدف ها و استقلال این ملت و لزوم پیشرفت این کشور ایمان داشته باشد، می تواند بسیاری از کارها را بکند؛ همچنان که بحمدالله دولت های متعدد در طول سال های گذشته کارهای بزرگی انجام دادند. محصول کارهای آنها در اختیار مسؤولان بعدی است که بیایند و در راه خدمت به مردم و شیرین کردن کام آنها این کارها را تکمیل کنند.

البته رهبری در پشتیبانی از رئیس جمهور هیچ گونه درنگی نمی کند. کسی را که مردم انتخاب کنند و رئیس جمهور قانونی کشور شود، همیشه مورد احترام و تکریم و حمایت جامع رهبری در همه ی دولت ها بوده؛ بعد از این هم باید باشد.

اما آنچه در درجه ی اول اهمیت قرار دارد، این است که اهتمام همه ی مردم، نخبگان مردم و مسؤولان گوناگون بخش



های مختلف این باشد که رئیس جمهوری انتخاب شود که بتواند گره های زندگی مردم را در دوران کنونی باز کند ؛ وظایف این دوره را بشناسد و با قوت و اقتدار به آن عمل کند. ان شاءالله مردم کاری کنند که خدای متعال رئیس جمهوری با این توانایی ها و با این رویکردها برای این کشور مقدر کند.

هر دوره خصوصیتی دارد و هر کدام از مسؤولان در دوره های گذشته کارهایی انجام دادند. امروز ما احتیاج داریم که در کشورمان تلاش و پیشرفت و رشد علمی و فناوری، همراه با عدالت اجتماعی و مبارزه ی با فساد باشد. آنچه برای رئیس جمهور آینده بسیار مهم است، این است که با همه ی وجود در پی کار و تلاش برای مردم باشد. لذا من در اول سال عرض کردم ؛ آنچه کشور احتیاج دارد، رئیس جمهور بانشاط، مصمم، کاردان، توانا، پیگیر و با حوصله است ؛ رئیس جمهوری که قدر مردم را بداند ؛ با مردم صمیمی باشد ؛ برای مردم مجاهدت کند ؛ برای مردم کار و تلاش کند ؛ ظرفیت های کشور را آن چنان به کار بگیرد که مردم بتوانند از این ظرفیت ها در همه جا بهره مند شوند ؛ رئیس جمهوری که اعماق کشور و روستاهای دورافتاده برای او یا تهران تفاوتی نداشته باشد ؛ حق مردم شهرهای بزرگ و کوچک در نظر او یکسان باشد ؛ بتواند برای رفع تبعیض و پُر کردن شکاف میان ثروتمندان و فقرا تلاش و کار کند ؛ رئیس جمهوری شجاع، با تدبیر و مؤمن به هدف های انقلاب و نظام باشد.

البته بدیهی است که رهبری از فرد خاصی حمایت نمی کند ؛ از معیارها حمایت می کند. ما دنبال این هستیم که این معیارها تحقق پیدا کند. بنده دنبال این هستم که شخصی سر کار بیاید و قوه ی مجریه را اداره کند که خود را خدمتگزار مردم بداند و توانایی داشته باشد و به آرمان های امام و نظام اسلامی معتقد و پایبند باشد و حقیقتاً عدالت و مبارزه ی با فساد برای او حائز اهمیت باشد. دعا می کنیم خدا دل های مردم را به این سمت هدایت کند که بتوانند چنین کسی را - که امروز مورد نیاز لحظه ی تاریخی حساس این کشور است - انتخاب کنند.

اگر خدای متعال توفیق دهد که رئیس جمهور کارآمد باکفایت پُرنشاط شادابی که علاقه ی به مردم و علاقه ی به عدالت و علاقه ی به رفع فساد و تبعیض برای او در درجه ی اول برنامه ها قرار داشته باشد، سر کار بیاید، من به شما عرض بکنم که بسیاری از مشکلات اساسی این کشور - چه مسائل داخلی و چه مسائل خارجی - حل خواهد شد.

آنچه امروز برای استکبار جهانی يك خطر تلقی می شود، این است که ملت های مسلمان هویت و شخصیت و اصالت و استقلال خود را جدی بگیرند. همان طور که عرض کردیم، آنها دلشان می خواهد کشورهای منطقه ی اسلامی، کشورهای شرق، کشورهایی که به دلایل گوناگون از کاروان پیشرفت علم عقب مانده اند، همیشه در حوض نادانی و ناتوانی بمانند. آنها با هر پیشرفتی در هر کشور عقب افتاده مخالفند. آنها وقتی می بینند کشور عقب افتاده ی دوران رژیم طاغوت، امروز تبدیل به کشوری شده است که در زمینه های علمی و صنعتی دارای شجاعت است و در میدان هایی وارد کار صنعتی و فناوری های پیچیده شده که احساس می کنند سال های متمادی پیش رفته است، احساس خطر می کنند.

آنچه امریکا و دیگر مستکبران عالم را عصبانی می کند، این است که يك ملت خودش بخواد بداند و تصمیم بگیرد. امریکا به کشور ما و مردم ما و بسیاری از ملت های دیگر می گوید شما تصمیم نگیرید تا من برای شما تصمیم بگیرم ؛ شما انتخاب نکنید تا من برایتان انتخاب کنم ؛ شما از منابع خود بهره برداری نکنید تا من بتوانم از آن بهره برداری کنم. حرف امریکا این است که سلطه و دخالت و حضور و پنجه افکندن ما بر کشور و منابع خودتان را قبول کنید ؛ اگر قبول نکنید، شما را به حمایت از تروریسم و ضدیت با حقوق بشر و چیزهای دیگر متهم می کنیم.

ملت ما نشان داده است که در مقابل چنین زورگویی و تهدیدی، و در مقابل چهره ی وقیح زمامداران امریکا مشت های خودش را گره می کند ؛ می گوید ما با هر کس که استقلال و هویت و منافع ملی و حیثیت ما را تهدید کند، مقابله می کنیم و بر دهان او مشت می کوبیم.



جوانان. اینها مسائل اساسی این استان است.

مبادا مسؤولان مثل بخشی از دوره های گذشته، سر خود را به مسائل سیاسی گرم کنند؛ با شعارهای پوچ سیاسی، خود و مردم را مشغول کنند و از واقعیات زندگی مردم دور بمانند. هم مردم مراقب باشند، هم نخبگان مراقب باشند، هم جریان ها و جناح های سیاسی و گروه ها مراقب باشند که با حرفهای دهان پُرکن سیاسی بی محتوا وقت این ملت را تلف نکنند.

هرچه انسان گزارشهای مسؤولان استان و مسؤولان بخشی را قبل از سفر مطالعه می کند، تکیه روی پیشرفت هاست - چه در زمینه ی کشاورزی، چه در زمینه ی صنعت، چه در زمینه ی معدن و غیر اینها - و درست هم هست؛ این پیشرفت ها اتفاق افتاده است؛ اما وقتی انسان به گزارشهای برخی از معتمدان و نمایندگان مردم نگاه می کند، تکیه روی مشکلات مردم و محرومیت هاست؛ این هم درست است. هر دو درست می گویند؛ پیشرفت های خوبی در استان اتفاق افتاده است؛ اما این پیشرفت ها نتوانسته است خلأهای فراوان در زندگی همه ی بخشهای مردم استان را پُر کند؛ این معنایش این است که ما احتیاج داریم به کار؛ باید عرق بریزیم و تلاش و کار کنیم. این کار باید جهتدار باشد؛ جهت، عدالت؛ جهت، پُر کردن شکاف بین فقیر و غنی؛ جهت، بالا آوردن زندگی مردم محروم؛ مردمی که در دوران امتحان های دشوار و سخت هم در صفوف اول و در مقابل خطرهای دشمن ایستادند و بعد از این هم همین طور خواهد بود.

ما در این سفر، مطالعه ی نسبتاً جامع و وسیعی را انجام می دهیم. مسؤولان دولتی کمک می کنند و معمولاً در این گونه سفرها، هم واقعیت ها را در اختیار ما می گذارند تا آنها را ببینیم، و هم کمک های دولتی را در اختیار می گذارند تا برخی از مشکلات مردم در حد مقدمات کشور برطرف شود. اما آنچه در این سفر من را نگران می کند، این است که ما امروز در پایان دوره ی دولت قرار داریم. مسؤولان کنونی دولت، دورانی طولانی سر کار نخواهند بود؛ مسؤولانی هم که بعداً خواهند آمد، ممکن است از این مسأله غافل بمانند. من قبل از آمدن به کرمان، به آقای رئیس جمهور گفتم؛ الان هم به همه ی مسؤولان - چه مسؤولان استانی، چه مسؤولان کشوری بخشی که مربوط به مسائل این استان خواهد بود - عرض می کنم؛ در دو سه ماه آینده یی که از عمر دولت کنونی باقی است، تلاش کنند تصمیم هایی که در این سفر گرفته می شود، تبدیل به دستورالعمل های اجرایی کنند. کاری کنند که دولت آینده وقتی سر کار آمد، بداند درباره ی کرمان چه باید بکند و این تصمیم ها را چگونه باید اجرا کند. در این جا به رئیس جمهوری آینده هم که معلوم نیست چه کسی خواهد بود، و به وزرای که نمی دانیم چه کسانی هستند، در مقابل مردم عرض می کنم؛ شما هم که آمدید، باید همین سررشته را دنبال کنید؛ بتوانید این دستورالعمل ها را اجرا کنید تا تصمیم هایی که در این سفر برای وضع کرمان و مردم عزیز کرمان گرفته می شود، ان شاءالله به مرحله ی عمل برسد.

دیدار امروز من با شما مردم عزیز و مهربان و خونگرم و مؤمن و وفادار کرمان، برای من جزو دیدارهای فراموش نشدنی خواهد بود. امیدواریم بتوانیم به وظایف خود در قبال شما و این همه محبتی که ابراز می کنید، عمل کنیم. امیدواریم مسؤولان اجرایی، مسؤولان دولتی و مسؤولان همه ی بخش های نظام قدر شما ملت عزیز را بشناسند و به حقوقی که بر گردن آنها دارید، ان شاءالله عمل کنند.

پروردگارا! خیر و رحمت و برکت خودت را بر این عزیزان نازل کن. پروردگارا! شهیدان عزیز و جانبازان و آزادگان فداکار و خانواده های ایثارگر و پُرگذشت این استان را مشمول رحمت و لطف خود قرار بده. پروردگارا! به ما توفیق عمل به وظایف خود در قبال این مردم عنایت بفرما. پروردگارا! از آنچه گفتیم و شنیدیم و تصمیم داریم و عمل خواهیم کرد، توشه یی برای آخرت ما قرار بده. پروردگارا! قلب مقدس ولی عصر (ارواحنافداه) را از ما راضی و خشنود بگردان.



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

والسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ